

نقش شهرهای میانی در شبکه شهری کشور

قاسم شایانی^۱، سید رسول کشاورز^۲، سجاد سیار سامانی^۳، غلامعباس کاظمی^۴^۱ کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری^۲ کارشناس ارشد حقوق^۳ کارشناس ارشد حقوق^۴ کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری

Shayani1362@gmail.com

چکیده

در سال های گذشته با وجود نقش شهرها و توسعه شهرهای میانی در حوزه های عملی و علمی و در برنامه های شبکه شهری کشور، نگاه اکثریت معطوف به گسترش شهرهای بزرگ و کلانشهرها بوده است و همین امر موجب گردیده است که مشکلات فراوانی در سیستم شهری همچون رشد سریع شهرنشینی، مهارت های مداوم شهری-روستایی گردیده است. و به تبع ضمن ایجاد مشکلات زیادی در ابعادهای گوناگون در شبکه شهری می شود. از این رو با توجه به نقش بالقوه و بالفعل شهرهای میانی در شبکه شهری به ویژه در کشور شده و در برخی از مناطق کشور مورد عنایت بیشتری قرار گرفته است و به عنوان یک پایه اساسی برای شبکه شهری کشور مبدل گشته است. در کشور ایران به ویژه در سال های اخیر با توجه به قانون تقسیمات کشوری در زمینه تبدیل روستاها و شهرهای کوچک و تسهیل و تسریع فرایند تبدیل، موجب گردیده است. که بر تعداد شهرهای میانی در شبکه شهری کشور افزوده شود. از این رو با توجه به شرایط موجود نقش شهرهای میانی در شبکه شهری کشور ضرورت توجه هر چه بیشتر به شبکه شهری میانی و تدوین سیاست ها، راهبردها و اقدامات لازم برای بهره مندی از نقش بالقوه و بالفعل اینگونه مراکز شهری در شبکه شهری اجتناب ناپذیر است. با توجه به ضرورت موضوع در این پژوهش سعی بر این است تا نقش شهرهای میانی در شبکه شهری کشور مورد بررسی و بازبینی قرار گیرد.

کلمات کلیدی: شهرهای میانی، شبکه شهری و کشور

مقدمه

شهر چون یک موجود زنده است، مردم شهر و فعالیت هایشان، روح و کالبد شهر به مثابه جسم آن موجود زنده است. شهر طی حیات خود بر اثر عوامل مختلف تغییر شکل و گسترش می یابد، لیکن شهر خوب شهریست که کالبدش

نیازهای مردمش را با توجه به تغییرات زمان تامین نماید. در گذشته

با توجه به گسترش روز افزون شهرها مباحث مختلفی در رابطه با چگونگی توسعه شهرها بیان شده، که هر کدام سعی در ارائه مدلی مطلوب جهت توسعه کالبدی شهرها داشته اند: باغ شهر ابنز هوارد، شهر درخشان لوکوربوزیه، شهر خطی سوریا ماتا، شهر صنعتی تونی گارنیه و غیره که البته به دلایل بسیاری منجمله عدم وجود نگاه سیستمی به شهر توانسته اند راه حل های مناسبی ارائه نمایند. هر شهر صفات خاص خود را دارد اما در کلیت، در شکل و وظیفه ای که به عهده دارد به سایر شهرها شبیه است و هر چه که در مطالعه یک شهر آموخته شود در بررسی دیگری سودمند می افتد (مزیتی، ۱۳۸۵، ۲۸).

حاصل از میان رفتن نقش میانی شهرهای کوچک و متوسط پیدایش شبکه شهری زنجیره ای است که در آن شهر کوچک یا میانی و حتی در مواردی روستاها به طور مستقیم با مادر شهری اصلی در ارتباط اند (حسامیان و همکاران، ۱۳۸۵، ۱۱۴). سیاست شهرهای میانی برای اولین بار در ششمین برنامه ی توسعه اقتصادی و اجتماعی فرانسه (۱۹۷۱-۱۹۷۵) تصریح گردید و در طول این برنامه برای هفت شهر بکار رفت. نظریه رشد شهرهای میانی و کوچک منطق فضایی- پیرامونی بنا شده است (قرخلو و همکاران، ۱۳۸۷، ۱۴۸). راندینلی از پایه گذاران اصلی شهرهای میانی، مبنای عملکرد این شهرها را تدارک خدمات، صنایع وابسته به کشاورزی و صنایع کوچک و نیز خدمات حمل و نقل تعریف کرده است (پاپلی یزدی و رجبی سناجرودی، ۱۳۸۲، ۲۱۷). در بیشتر کشورهای در حال توسعه، توجه برنامه ریزان به تمرکز زدایی فضایی- کالبدی سرزمین با هدف توازن بخشیدن به نظام سکونتگاهی، مهار رشد ناهنجار کلانشهرها، کاهش نابرابری های منطقه ایی و دوگانگی شهری- روستایی، به اتخاذ راهبردهای متفاوتی در زمینه توزیع جمعیت و شهرنشینی منجر شده است. یکی از مهمترین راهبردهای موجود در این زمینه، توجه به شهرهای اندازه متوسط و حمایت از این گونه شهرها در شبکه شهری کشور است (تقوایی و همکاران، ۱۳۸۷، ۳۸).

در طی سال های اخیر در کشور ایران نقش شهرهای کوچک و میانی به ضعف گرایده و شبکه شهری زنجیره ای باعث ضعیف تر شدن این شهرها از نظر اقتصادی، اجتماعی و فضایی شده است (حسامیان،